



سال جدید، سناریوی های سیاه و لزوم درهم شکستن آن ها !

تقی روزبه

سالی که نکوست از زمستانش پیداست!

آقای اوپاما در مادم تغییر سال، تحریم بانک مرکزی ایران و تشدید تحریم ویا اگر بتوان گفت محاصره نفتی توسط بزرگترین قدرت اقتصادی جهان را امضاء کرد. باین ترتیب بر اساس ضرب المثلی که می گوید سالی که نکوست از بهارش پیداست (والبتہ در سنت غرب باید گفت سالی که نکوست از زمستانش)، با شفاف کردن نسبی روندهای آتی (تاجانی که به سیاست این دولتها برمی گردد) از زحمت پیش بینی و گمانه زنی های سال آتی کاست. آنها سناریوی های سیاهی را برای سال آینده تدارک دیده اند. سرمایه دستخوش بحران همواره آستن تنظیم سیاهترین سناریوها بوده است و وضعیت کنونی نیز استثنائی بر آن نیست.

اما چند نکته:

الف- این سیاست به معنی تصمیم به مسدود کردن نه فقط شریان های حیاتی رژیم ایران، بلکه هم چنین تحت فشار قرارداد مردم ایران نیز هست. این سیاست هم چنین دارای زمینه های عروج بحران به فزانظامی نیز هست. نباید فراموش کنیم که پی آمدهای سیاست گرسنگی دادن حتی اگر به فزانظامی هم عروج نکند، می تواند در عرصه تلفات انسانی و بویژه کودکان و نیتباهی های اجتماعی و رواج مناسبات غیر انسانی بسیار کارساز باشد.

ب- با تهدید شرکاء خارجی و داری مرآوده با بانک مرکزی ایران به تنبیه اقتصادی، به نوعی شاهد بازگشت سیاست یک جانبه گری دولت آمریکا و تعیین تکلیف برای دولتهای دیگر جهان هستیم. کشورهای دیگر باید بین معامله با ایران ویا داشتن دسترسی به بازار عظیم اقتصادی و مالی آمریکا یکی را انتخاب کنند: یا با ما یا با آنها. البته قانون تحریم برای جنبه اجرائی دادن به این سیاست مهلت ۶ ماهه ای را برای دولت آمریکا و اتخاذ تدابیر و تدارک لازم جهت کنترل قیمت های نفت در این فاصله و امکان استثناء قائل شدن در مواردی که به منافع ملی آمریکا مربوط می شود قائل شده است.

دوم- این سیاست آمریکا در همراهی با اتحادیه اروپا و بیرون از سازمان ملل صورت می پذیرد که چیزی جز دور زدن نهاد سازمان ملل با همه گوش بفرمانی اش نیست. جایگزینی نفت ایران و تشدید فشار به شرکای اصلی اقتصادی ایران و آماده سازی آنها یعنی امارات و چین و کره جنوبی و ژاپون و در وهله بعدی ترکیه و امثال آن بخشی از این سیاست تشدید فشار به شمار می رود.

ج- سال جدید هم چنین با قراردادهای کلان فروش اسلحه دهها میلیاردی هواپیما و بمب و موشک به مناطق همجوار ایران شامل عربستان و امارات و کویت .. همراه است که نه فقط هدیه ای بزرگ در سال جدید به مجتمع های عظیم نظامی است بلکه هم چنین به معنی ایجاد گشایش بازار مصرف در شرایط بحران اقتصادی برای این کمپانی نیز هاست. باین ترتیب میلیتاریزه کردن و تحمیل شرایط جنگی بر منطقه بیش از هر زمانی در دستور کار قرار گرفته است. هم چنین در این ارتباط شاهد تشدید فعالیت این قدرتها برای شکل دادن به یک اپوزیسیون دست آموز و مطیع نیز هستیم.

در سوی مقابل:

جمهوری اسلامی نیز با استراتژی تهدید در برابر تهدید و مبادرت به مانور بزرگ دریائی با هدف به نمایش گذاشتن توان مسدود ساختن احتمالی تنگه هرمز و ابراز تهدیدهای لفظی با استقبال سال جدید رفته است. دامن زدن به میلیتاریزم منطقه و دادن آرایش جنگی به آن بخشی از نتایج اجتناب ناپذیر سیاست های جمهوری اسلامی است.

علاوه بر آن، تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی خارجی موجب بسته شدن بیش از پیش فضای سیاسی داخل و افزایش سرکوب و اختناق شده و فرصت های تازه ای را برای دست اندازی هارترین و ارتجاعی ترین باندهای درونی و جنگ طلبانه رژیم فراهم می سازد. بدون تردید در این روند نقش و وزن سپاه و نیروهای نظامی در کل ساختار جمهوری اسلامی

باز هم بالاتر می رود (روند کمره شمالی شدن ایران) و شانس عروج هارترین باندها نظیر مصباح یزدی ها و یاران سعید امامی ها و شکنجه گران و ارگانهای سرکوب و امنیتی به فوقانی ترین رده سیاسی بیش از پیش افزایش می یابد. تشدید فشار اقتصادی و سیاسی به مردم

همانطور که سخن گوی وزارت خارجه آمریکا هم پنهان نمی کند در این سیاست متأسفانه! تروخشک با هم می سوزند. چنانکه از هم اکنون شاهد حذف یارانه ها، تشکیل پلیس اقتصادی، تشکیل بودجه سایه، افزایش جهش و انرژ و ارز و افت شتابان پول ملی و افزایش قیمتها (وبهای کالای وارداتی) مواجه هستیم. اقتصاد زیرزمینی و قاچاق و رشوه و فساد رشد جهشی پیدا خواهد کرد. دامنه بیکاری باز هم گسترش خواهد یافت. سرمایه گذاری با افزایش ریسک آن باز هم کمتری شود و برعکس فرار سرمایه شتاب بیشتری می گیرد. با افزایش خطر بلوکه شدن ذخایر خارجی ایران از هم اکنون رژیم میادرت به انتقال آنها به داخل نموده است.

انتخابات پیش رو نیز در نمایشی ترین حالت خود برگزار می شود. شتر دامنه فیلترینگ حتی به مسدود کردن سایت رئیس تشخیص مصلحت نظام-رفسنجانی- هم رسیده است!.

این ها شماری از نمونه ها و نشانه های برجسته از سمت و سوی تحولات سال جدید هستند. آنچه که پیش بینی ناپذیر است

این چشم انداز سیاه را فقط نقش آفرینی و به میدان آمدن یک جنبش مستقل در داخل و اعتراضات جهانی (اعم از اعتراض های مستقیم مردم و تشکل ها و نهادهای مترقی، و نیز غیر مستقیم از طریق تشدید تضادهای درونی بلوک قدرتها به سیاست بردن جهان به لبه پرتگاه جنگی و خشونت و کشتار و گرسنگی دادن) می تواند بهم بریزد. آنچه که می توان ابر قدرت افکار عمومی (فعال شده) نامیدش. نیروهای اپوزیسیون مخالف هر دو قطب ارتجاع داخلی و جهانی اگر قادر به فهم و خامت اوضاع و مسئولیت خویش در برابر آن بشوند تنها با اولویت قائل شدن به منافع عمومی زحمتکشان و کارگران و تکیه بر هدف های مشترک بر غم اختلافات خود و پرهیز از هژمونی طلبی های متداول می توانند سهم شایسته خویش را در مقابله با سناریوی سیاه ایفاء کنند و گرنه آنها نیز در زیر چرخ دنده های این سناریو له خواهند شد.

باندازه ای که این پارامترها جنبش اعتراضی داخل و خارج و اپوزیسیون- نقش آفرینی کنند و برنامه های مصوب و یا در شرف تصویب ارتجاع داخلی و جهانی را بهم بریزند، سناریوی سیاه می تواند رنگ به باز و از سیطره و یکه تازی اش بر عرصه جهانی و منطقه کاسته گردد.

۱۳۹۰-۱۰-۱۲ ۰۲-۰۱-۲۰۱۲

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.com>